



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۲/۱۴

بهاره حسین زاده

برای رسیدن به صلح پایدار در افغانستان چه باید کرد؟



بیشتر از چهار دهه است که افغانستان به گونه مداوم در آتش جنگ می سوزد و در حال حاضر این کشور یکی از سنگین ترین، تلخ ترین و خونین ترین جنگ های تاریخ معاصرش را تجربه می کند به گونه ای که تصور می شود دستیابی به صلح و امنیت در این کشور به آرزویی دست نیافتنی مبدل شده است. اما از آنجایی که رسیدن به صلح امری اجتناب ناپذیری است و همواره کشورهای جنگ زده برای بقا و ترقی خویش در جست و جوی آن بوده اند، افغانستان نیز راه برای عبور از این وضعیت ندارد مگر ایجاد تفکر صلح و سرمایه گذاری واقعی در این عرصه. مردم افغانستان از شرق تا غرب و از جنوب تا شمال خواهان صلح پایدار بوده و هستند؛ مشوره ها، گردهمایی ها و حمایت های اخیر از صلح سرتاسری در نقاط مختلف افغانستان مصداق آن است.

ولی جنگ افغانستان و نرسیدن به صلح پایدار در این کشور در پهلوی مسایل داخلی یک بخش مهم آن بر می گردد به سیاست خارجی کشورهای منطقه یی و فرامنطقه یی، خاصاً سیاست هژمونیک قدرت های بزرگ و دیگر اینکه این قدرت ها تا چی اندازه در سیاست داخلی افغانستان دخالت دارند.

با آنچه بیان شد سؤال اساسی که مطرح می شود این است که برای رسیدن به صلح پایدار در افغانستان چه باید کرد؟ این نوشته بر آن است تا به این پرسش ها پاسخ دهد.

۱- اراده سیاسی و اولویت دادن به منافع ملی:

اراده سیاسی را می توان به دو نوع تعبیر کرد، یکی اراده داخلی و دیگری اراده خارجی ها. اراده داخلی مربوط به حکومت افغانستان و گروه های مسلح مخالف حکومت می شود که راه های مذاکره و گفت و گو را بر منازعه ترجیح داده، از جنگ و خون ریزی دست بردارند و وارد گفت و گو های صلح شوند؛ برای آوردن صلح پایدار و ختم بحران در کشور منافع ملی را بر منافع شخصی، سمتی، قومی و مذهبی خویش ترجیح دهند. به گفته "ریمون ارون (Raymond

Aron) "فرانسوی (۱)"، سیاست خارجی دولت‌ها خود حاصل فعل و انفعالات جامعه داخلی است، اگر واضح‌تر بگوییم در واقع سیاست خارجی دولت‌ها بازتابی از سیاست داخلی آنها است؛ این سیاست خارجی دولت‌ها است که منافع ملی‌شان را تعریف می‌کند و منافع ملی عبارت از همان ارزش‌ها، باورها، معیارها، خواسته‌ها و اهدافی است که زمینه‌ساز رفاه و آسایش بین افراد جامعه خصوصاً اتباع یک سرزمین، یا کشوری می‌شود.

در صورتی که موضع‌گیری‌های سیاسی بر اساس منافع ملی باشد دستیابی به صلح امکان‌پذیر خواهد بود. اما آنچه تاریخ معاصر افغانستان نشان داده است جنگ و صلح افغانستان تنها جنبه داخلی ندارد، بلکه خارجی‌ان نیز در این زمینه نقش بارزی دارند، به گونه‌ای که می‌توان گفت بدون اراده خارجی‌ها (کشورهای ذیدخل در امور افغانستان) رسیدن به صلح غیر ممکن است. به نظر می‌رسد تا زمانی که حکومت و دستگاه سیاسی و دیپلوماسی کشور با اتخاذ سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز، دیپلوماسی قوی و ایجاد وضعیت تعادل قدرت بین کشورها عمل نکند و از تعارض منافع قدرت‌ها در افغانستان نگاهداری و به نحوی زمینه مداخله کشورهای قدرتمند را مهار نکند، رسیدن به صلح آرمانی بیش نیست.

۲- حکومت داری خوب و مبارزه با فساد

یک موضوعی که در تمام گفت و گوها و گردهمایی‌های پیرامون صلح افغانستان همیشه سر و صداها را بلند می‌کند نبود حکومت داری خوب و وجود فساد گسترده در ادارات دولتی کشور می‌باشد. همواره ناامیدی افغان‌ها از حکومت‌شان بنا بر فساد، ضعف حاکمیت قانون و معافیت ریشه‌دار از تخطی‌های حقوق بشری بوده و به این عوامل به عنوان محرکه‌های اساسی منازعه نگریسته می‌شود. حکومت داری خوب با خصوصیت‌های مشارکت، برابری، پاسخگویی، حاکمیت قانون، مؤثریت و شفافیت زمینه‌ساز رشد و شکوفایی در کشور می‌باشد، بدون فراهم‌آوری رفاه و بهبودی اجتماعی نمی‌توان صلح دائمی را در کشور به ارمغان آورد. سیاسیون افغانستان با ایجاد حکومت مبتنی بر عدالت، شفافیت، مؤثریت و مشارکت سیاسی متعادل می‌توانند در واقع زمینه‌ساز صلح واقعی در کشور گردند.

۳- انکشاف متوازن اقتصادی، اجتماعی و فقر زدایی

پیشرفت‌های اجتماعی، اقتصادی، به شمول تلاش‌ها برای تقویت سیستم معارف، ایجاد فرصت‌های شغلی و اطمینان از دسترسی عادلانه به انکشاف را به عنوان عناصر مهم برای رسیدن به صلح پایدار می‌توان تلقی کرد. موارد زیادی وجود دارد که باشندگان افغانستان به خاطر معاش یا مزدی که گروه‌های مسلح به آنان می‌پردازند در کنار آنان قرار می‌گیرند و از این قبیل مردم کم نیست که عملاً به صفوف مخالفین مسلح قرار گرفته‌اند؛ این هموطنان نه بخاطر مسائل عقیدتی، سمتی و منطقه‌یی بلکه بخاطر بدست آوردن لقمه نانی به آنها می‌پیوندند. بی‌کاری به عنوان یکی از عوامل عمده بحران در کشور بوده و فقر اقتصادی زمینه‌ساز پیوستن مردم به صفوف مخالفین را فراهم کرده است.

به این اساس برای رسیدن به صلح، دولت باید زمینه انکشاف متوازن را فراهم کند و در عین حال برای ایجاد شغل و کاهش فقر کارهای بنیادی را روی دست گیرد.

۱- "ریمون ارون" (Raymond Aron) فیلسوف، تاریخ‌دان و جامعه‌شناس، فرانسوی مؤلف کتاب (راه آزادی) و آثار دیگر متولد مارچ ۱۳۰۵ و متوفی اکتوبر ۱۹۸۳ میلادی

۴- اتخاذ سیاست همزیستی مسالمت آمیز و روابط متوازن با کشورهای همسایه

وضعیت فعلی افغانستان تقاضا می کند تا هیچ نوع حساسیت های منطقی را برای خود ایجاد نکند. به میان آمدن حساسیت های منطقی امنیت و صلح کشور را تهدید می کند، حکومت باید سیاست خارجی خویش را طوری عیار نماید که همه کشورهای دخیل در جنگ و صلح افغانستان از آن احساس رضایت کنند. هند و پاکستان دو کشور رقیب در منطقه اند و هر یکی از آنها می خواهد افغانستان را منطقه نفوذ خویش سازند، هر دو می خواهند تا افغانستان میدان زورآزمایی و سیاست های توسعه طلبی آنها باشد، حکومت افغانستان باید از این رقابت ها به شکل هوشیارانه استفاده نموده و امکانات طرفین را جهت اعمار و آبادانی کشور جلب نمایند. یکی از مشکلات اساسی بین پاکستان و افغانستان همانا خط دیورند می باشد که طبق موافقت نامه مرزی که در سال (۱۸۹۳) توسط حکومت بریتانیه و رهبری وقت افغانستان امیر عبدالرحمن خان به امضاء رسید، با آنکه سازمان ملل و جهان خط دیورند را به عنوان خط مرزی افغانستان و پاکستان به رسمیت می شناسند اما اختلافات بر سر این خط مرزی سبب تقابل دو کشور شده است، اینجاست که حکومت باید به صورت اساسی برای مشکل خط دیورند آستین بالا زده و این مشکل را برای همیشه حل کند، در غیر آن رسیدن به صلح به عنوان آرمانی باقی خواهد ماند.

عامل اساسی بدبختی امروز افغانستان و نرسیدن به صلح پایدار در پهلوی مسائل داخلی، لشکر کشی قدرت های بزرگ و تضاد منافع کشورهای منطقه یی و فرامنطقه یی در این کشور می باشد، که همواره این اختلافات باعث عدم ثبات سیاسی، استقلال سیاسی، کم سواد و بی سواد مطلق، تبعیض نژادی و قومی، عدم شایسته سالاری و صدها مشکل دیگر شده است. تا وقتی که سران حکومت و نخبگان سیاسی کشور مصروف زد و بندهای داخلی خود باشند، امکان آن میسر می گردد که از رشد نا متعادل قدرت کشورهای همسایه غافل مانده و در نهایت از بروز جنگ و مداخله در امور کشور جلوگیری کرده نتوانند.

با بررسی عوامل تأثیر گذار بحران افغانستان به این نتیجه می رسیم که کار صلح در افغانستان دشواری های خاص خود را دارد. اگر واقعاً دولت افغانستان دنبال صلح و امنیت است راه های را که بحران از آن ریشه گرفته و از آن حمایت می شود به خوبی تشخیص و برای شان راه حل اساسی ارائه نماید. در غیر آن، این کارهای ابتدایی هیچ نتیجه ای برای افغانستان نخواهد داشت و تکرار اشتباهات گذشته خواهد بود.

بهاره حسین زاده، محصل دوره ماستری رشته روابط بین المللی - پنجشنبه، ۲۲ قوس ۱۳۹۷



برای رسیدن به صلح پایدار در افغانستان چه باید کرد؟

Husseinzada_bahara_solhe_paayadaar_dar_afghanistan.pdf